

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندל شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:

Mr. Parviz Mojdehi

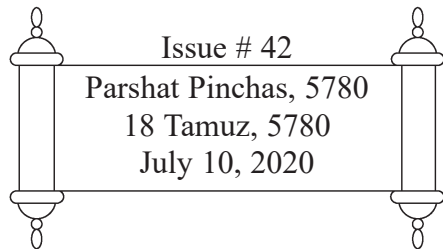
*

Reprinted with permission by:

Chabad Persian Youth

&

Moshiach Awareness Center



Friday, July 10, Light Shabbat Candles, by 7:48 p.m.

Saturday, July 11, Shabbat ends at 8:51 p.m.

(Times are for Los Angeles)

THIS ISSUE IS PRINTED IN LOVING MEMORY OF

Mrs. Farahangis Mojdehi bat Rachamim ע"ה

Passed away on 23 Tamuz, 5772

ת. נ. צ. ב. ה.

*

DEDICATED BY HER FAMILY שיחיו

JEWISH CHILDREN:

**Get your own letter
in a Sefer Torah!**

<http://www.kidstorah.org>

Reprinted with permission by:

CPY

Chabad Persian Youth

9022 W Pico Boulevard.

Los Angeles, CA 90035

Tel.: (310) 777-0358

Fax: (310) 777-0357

<http://www.cpycenter.org>

e-mail: cpycenter@sbcglobal.net

Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

&

Moshiach Awareness Center,

a Project of:

Enlightenment For The Blind, Inc.

602 North Orange Drive.

Los Angeles, CA 90036

Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092

<http://www.torah4blind.org>

e-mail: yys@torah4blind.org

Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

مطابقت نمی کند باید بدانند که منبع این احساس در تقدس و روحانیت نمی باشد.

۶- پاداش شخص غیرت مند

ماجرای پینحاس زمانی صورت گرفت که مرگ و میر بزرگی در میان بیسرائل ها واقع شده بود. و اگر چه او هیچگونه سمت رهبری در میان بیسرائل ها نداشت و حتی هنوز یک کهن هم به حساب نمی آمد. با این حال بوسیله این عمل او، این مرگ و میر متوقف شد و صلح و آشتی مابین بیسرائل ها و خداوند دوباره برقرار شد. "بنابراین من پیمان سلامت بخش جاودانه خودم را به او می بخشم".

به این ترتیب زمانی که کسی می بیند که شخص دیگری در مورد عبادت خداوند غیرت ورزی می کند نمی بایست او را ناامید کند و یا مورد سرزنش قرار بدهد. برای آنکه آن شخص همچون پینحاس برقرار کننده صلح و آشتی مابین خداوند و ملتش می باشد صلح و آشتی که مخالف و برضد جدایی و گالوت است. او برقرار کننده دوران ماشیح می باشد^{۱۷} که در یک صلح و آشتی دائمی و نهایی "قلب پدران را بسوی فرزندان و قلب فرزندان را بطرف پدران برمیگرداند".^{۱۸}

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 8, pp. 160-170)

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد هشتم ص ۱۶۰ الی ۱۷۰)

۱۷- "پینحاس الیاهوست" ترگوم یونانان بن اوزئیل - وائرا ۱۸-۶ - پیرکی دربی الیغزر فصل ۴۷ - زوهر فصل ۲ و ۱۹۰ الف - راشی بابا متزیا ۱۱۴ ب ۱۸ - ملاخی ۲۴-۳

**To Place Your Advert
Here:
call (323) 934-7095**

پینحاس

باراشای این هفته با این مطلب شروع می شود که چگونه خداوند به پینحاس برای غیرتی که نشان داد و زیمیری را به قتل رسانید، پاداش میدهد. تکرار این مطلب در توره که پینحاس فرزند العازار فرزند اهرون هکهن می باشد بنظر می رسد که برای راشی سؤال برانگیز است. چرا که نسب نامه پینحاس در چند سطر بالا آمده است. راشی توضیح میدهد که تکرار آن فقط برای یادآوری نسب نامه پینحاس نیست بلکه هدف از این تکرار دفاع از عمل پینحاس بوده است و ادامه میدهد اسباط بیسرائل العازار را سرزنش می کردند که او نوه بیترو می باشد و بعضی از خصوصیات بت پرستی بیترو را به ارث برده است. توضیحات راشی نیز به خودی خود سؤال برانگیز است که در این پاراشا آنها نیز مورد بررسی قرار گرفته اند. و این مبحث با بررسی این سئوالات که آیا غیرت مذهبی باید مورد ستایش قرار بگیرد و یا مورد سرزنش و آیا غیرت مذهبی حاصل غرور و سرکشی است و یا فداکاری خالص؟ و رفتار ما نسبت به انگیزه های افرادی که نسبت به اعمال مذهبی شان تردید داریم چگونه باید باشد، پایان می یابد.

۱- شکایت اسباط

و خداوند با مشه چنین سخن گفت: "پینحاس پسر العازار پسر اهرون هکهن خشم مرا فرو نشانید". راشی عنوان کردن این نسب نامه را اینگونه توضیح میدهد: بخاطر آنکه تمامی اسباط بیسرائل پینحاس را سرزنش میکردند و می گفتند "چطور این نوه پینحاس که پدر بزرگش گاوها را برای مراسم بت پرستی چاق میکرد جرأت کرده است که یک شاهزاده از پسران بیسرائل را به قتل برساند!!!!؟ بنابراین پاسوق تورا آمده است که نسب او را به اهرون برساند و نه به بیترو". این موضوع از این حقیقت نتیجه می شد که العازار پدر پینحاس با دختر بیترو ازدواج کرده بود و العازار به این ترتیب نوه دختری بیترو بود.

حالا در تکرار نسب نامه پینحاس چه اشاره ای به این مطلب وجود دارد که راشی اینگونه آنرا توضیح میدهد؟ جواب این است که در چند پاسوق قبل تورا به ما گفته است که پدر و پدر بزرگ پینحاس چه کسانی بوده اند و از آنجا که هیچ مطلبی در تورا بدون علت تکرار نمیشود راشی علت تکرار این پاسوق را اینگونه توضیح میدهد که پینحاس بخاطر اینکه پدر بزرگش

پیترو بوده است مورد تمسخر واقع می شده است و تورا با تکرار این مطلب می خواهد که او را به اهرن هکهن وصل کند و بزرگی نسب او را به ما ابلاغ نماید.

با این حال هنوز بعضی مسائل در توضیح راشی باید روشن شود.

اول آنکه چگونه است که راشی می گوید که تمامی اسباط یسرائل او را مسخره میکردند و نه فقط سبط شیمعون؟ نظر می آید که تنها سبط شیمعون می بایست او را مورد مسخره قرار میدادند چرا که پینحاس فقط رهبر آنها را کشته بود؟

در واقع ما می بینیم که تمامی اسباط دیگر هم با این عمل پینحاس نجات پیدا کردند و مرگ و میرایسرائل ها به این وسیله قطع شد.^۲ و این عمل زیمیری همه آنها را ناراحت کرده بود و همگی گریه میکردند.^۳ تمامی اسباط یسرائل در واقع می بایست از پینحاس تشکر کنند و این عمل او را ستایش نمایند. پس چگونه است که راشی می گوید که آنها نیز او را مورد تمسخر قرار میدادند و سرزنش میکردند؟ دوم آنکه سرزنش آنها براساس این حقیقت بود که پینحاس نوه دختری بیترو بود. برطبق میدراش و راشی^۵ بیترو تمامی بت های آن زمان را پرستش کرده بود و اسباط یسرائل این مطلب را میدانستند پس چرا آنها فقط روی این مطلب تکیه میکردند که بیترو گاوها را برای مراسم بت پرستی چاق میکرد؟

سوم اینکه: در تورا نسب پینحاس را اینگونه توضیح میدهد. "پینحاس پسر العازار پسر اهرن هکهن" اما در توضیح راشی اینگونه آمده است که نسب او را به اهرن برساند چرا در اینجا راشی در توضیح خود کلمه "هکهن" را برای اهرن ذکر نمی کند و نام العازار را هم که در آن زمان کهن گادول بود را نمی آورد؟

و بالاخره انگیزه اصلی اسباط یسرائل در سرزنش و تمسخر پینحاس نامعلوم است. آیا آنها پینحاس را بخاطر آنکه زیمیری را کشته بود سرزنش میکردند؟ (بخاطر آنکه زن غیر یهودی را به چادش آورده بود) آیا آنها از این قانون، که اشخاص غیرتمند باید کسی که با زن غیر یهودی همبستر شود را بکشند اطلاع نداشتند؟ آیا آنها این عمل پینحاس را عملی غیرت مندانه تلقی نمیکردند؟ و بالاخره تنها مورد دیگر آن است که آنها همه این مطالب را میدانستند و^۶ اگر اینگونه بوده است آنها دیگر دلیلی برای سرزنش پینحاس نداشتند. و بنابراین در هر گونه حالتی اشاره به بیترو پدر بزرگ پینحاس در خصوص مطالب بالا کاملاً بی مورد نظر می آید.

۲-بمیدبار ۶-۲۵ ۳-بمیدبار ۸-۲۵ ۴-تنخوما بیترو ۷ ۵-شموت ۱۱-۱۸

۶-رجوع شود به صفحات ۲۲۵ و ۲۲۶ از همین کتاب

عمل درست با هدف و انگیزه نادرست است، آن نیست که او را ناراحت کند که او دیگر آن عمل را انجام ندهد، بلکه به او کمک کند که بهتر و عمیق تر علت انجام آن عمل را بیابد و او را به وضعی برساند که او هم خواسته خداوند را بخاطر خداوند انجام دهد.

این مطلب زمانی درست است که در واقع انگیزه های خارجی و غیر الهی وجود داشته باشد. اما در حقیقت ما هرگز صد در صد قادر به درک واقعی انگیزه های دیگران نیستیم. اسباط یسرائل علت های زیادی داشتند که انگیزه های پینحاس را مورد تردید قرار بدهند. اما خداوند که قلب انسان ها را میداند^{۱۴} شهادت میدهد که آنها اشتباه میکردند.

۵- تواضع و غرور

کسی که هم مانند اسباط یسرائل عمل می کند ممکن است مرتکب اشتباه بزرگی بشود و آن «گول زدن خود» است. چون زمانی که کسی مانع می شود که شخص دیگری عملی را که به خودی خود خوب و پسندیده است را انجام ندهد صرفاً بخاطر آنکه انگیزه آن الهی و خدایی نیست باید بداند که انگیزه های خود این شخص نیز هم ممکن است الهی و خدایی نباشد. او ممکن است اینگونه خودش را توجیه کند که از آنجا که من طبیعتاً متواضع و فروتن هستم نمی توانم غرور را تحمل کنم بنابراین وقتی می بینم که کسی با علاقه مفرط و ظاهری زیاد تورا می خواند و یا میتصوت را به نحوی انجام میدهد که بالاتر از قوانین تورا است بنظرم خودنمایی می آید و نمی توانم آنرا تحمل کرده و ساکت بمانم. اما در حقیقت او اشتباه می کند. اسباط یسرائل به این علت که می خواستند خودشان و مُشه را بی تقصیر و موجه جلوه بدهند، پینحاس را مورد انتقاد و سرزنش قرار میدادند. اما خداوند در مورد پینحاس است که می گوید "بجای من حمیت نشان داد" و در واقع در این نمایش فروتنی یک عامل غرور وجود دارد عکس العمل درست در موقعی که انسان شخصی را می بیند که تورا را با عشق زیاد مطالعه می کند و میتصوت را با علاقه زیاده از حد انجام میدهد آن است که انسان خودش را هم به همان درجه عشق و علاقه^{۱۵} برساند. اگر بجای این عکس العمل، شخص حالت انتقاد بخود بگیرد این تقریباً به معنای آن است که او نمی تواند شخص دیگری که از او در درجه بالاتری از روحانیت قرار دارد را ببیند و تحمل کند. در «پیرکی آووت» آمده است که^{۱۶} "تمامی مردم را با دید مثبت قضاوت بکن" زمانی که شخص نسبت به دیگران دارای احساسی است که با این کلام پیرکی آووت

۱۴-کتاب اول شموئل ۷-۱۶ ۱۵-بابا بئرا ۲۱ الف "حسادت در میان دانشمندان باعث افزایش دانش آنها میشود"
۱۶-پیرکی آوت ۶-۱

تاکید تورا نه فقط بر این است که او پسر العازار هکهن و نوه پسر اهرن هکهن می باشد بلکه تاکید بر شخصیت اهرن جدا از مقام کهن بودنش می باشد. این شخصیت که او دوستار آرامش و بدنبال ایجاد صلح و آشتی مابین مردم بود. و در این جا که مابین اسرائیل ها و خداوند اختلاف ایجاد شده بود، پینحاس با این عمل غیرت مندانه خود صلح و آشتی را دوباره مابین خداوند و اسرائیل ها برقرار نمود. "پینحاس خشم مرا از پسران اسرائیل برگرداند" و این انگیزه اصلی غیرت ورزی پینحاس بود. عشق بسیار عمیق به صلح و دوستی که آنرا از پدر بزرگش اهرن به ارث برده بود. و عشق به از بین بردن عامل اختلاف و کدورتی که مابین خداوند و اسرائیل ها بوجود آمده بود.

۴- انگیزه های الهی و غیر الهی

در بررسی تفاسیر راشی ما به مطالبی برخورد می کنیم که صرفاً تفسیر ساده مطالب تورا نیستند، ما حقایقی عمیق و بزرگی را پیدا می کنیم که در زندگی ما تاثیر می گذارند. از تفسیر راشی از واقعه پینحاس، ما این موضوع را یاد می گیریم که در زمانی که کسی را در حال انجام عمل مذهبی می بینیم و مطمئن هستیم که انگیزه او در انجام این عمل الهی و خدایی نیست، ما نمی بایست و برای ما ممنوع است که او را کوچک کنیم و خوار بیانگاریم. حتی اگر چه او حقیقتاً دارای انگیزه های غیر الهی است تلمود معتقد است که شخص همیشه باید خودش را مشغول انجام تورا و میصوت بکند حتی اگر چه این اشتغال الهی و به خاطر خدا نباشد. برای آنکه در "جریان" (می توخ) انجام تورا و میتصوت برای اهداف غیر الهی او به این مرحله خواهد رسید که آنرا بخاطر خداوند انجام دهد. انگیزه و هدف واقعی بالاخره جای انگیزه و هدف نادرست را خواهد گرفت در واقع ترجمه درست کلمات عبری "می توخ" در جریان نمی باشد بلکه در "میان" می باشد. و اشاره عمیق آن این است که انگیزه واقعی در میان انگیزه نادرست پیدا خواهد شد. و اگر چه یک فرد یهودی ممکن است که در انجام خواسته خداوند انگیزه های غیر الهی و خارجی در سر داشته باشد ولی نتیجتاً در میان عمیق ترین زوایای وجودش او خواهان انجام تورا فقط بخاطر خدا و تورا می باشد. علاوه بر این وظیفه یک فرد یهودی زمانی که مشاهده می کند که فرد یهودی دیگر در حال انجام

۲- انگیزه اسباط یسرائل

جواب همه این سؤال ها این است که اسباط یسرائل با سرزنش و مسخره کردن پینحاس در واقع می خواستند به این طریق از مشه و بنی یسرائل دفاع کنند. میدانیم که این عمل زشت زیمری "در جلو مشه و در جلو تمام جماعت بنی یسرائل اتفاق افتاد" آنها می گفتند که چگونه است که از میان همه یسرائل ها فقط پینحاس این مردانگی و قدرت را داشت که برخیزد و انتقام خداوند را از او بگیرد؟ مسلماً بقیه یسرائل ها هم همچون پینحاس قانون را میدانستند برای آنکه این قانون به تمام مردم گفته شده بود^۷ و بدون شک مشه نیز خود آنرا میدانست برای آنکه پینحاس به او گفت "من این قانون را به عنوان سنت از تو یاد گرفته ام"^۸ این عمل شجاعانه پینحاس باعث خجالت یسرائل ها و حتی خود مشه شده بود.

و به همین علت بود که آنها سعی داشتند که در مورد این عمل پینحاس، شک و تردید ایجاد کنند و آنرا کوچک جلوه بدهند. او را متهم به خونخواری و بی رحمی کنند و ادعا کنند که او این خصوصیت را از پدر بزرگش بیترو به ارث برده است. کسی که گاوها را با بی رحمی و شقاوت چاق میکرد که برای بت ها قربانی بشوند.^۹ آنها ادعا می کردند که علت این که چرا فقط پینحاس قیام کرد و انتقام گرفت آن است که او در وجود خودش خصوصیت هایی از بی رحمی و شقاوت داشت که از پدر بزرگش بیترو به ارث برده بود و از آنجا که ما اینگونه بی رحم نیستیم بنابراین ما تردید کردیم و عملی انجام ندادیم و ساکت ماندیم.

و این جواب این سؤال است که چرا راشی می گوید تمامی اسباط یسرائل پینحاس را مورد سرزنش قرار میدادند در واقع سبط شیمعون فقط به دفاع از زیمری علاقه داشت اما تمامی اسباط یسرائل می خواستند از احترام مشه و بنی یسرائل دفاع کنند.

۳- انگیزه پینحاس

اینک ما می توانیم علت تکرار نسب نامه پینحاس را که «پسر العازار پسر اهرن هکهن» می باشد را درک کنیم. علت آن است که نشان بدهد که پینحاس نوه بیترو نبوده بلکه نوه اهرن می باشد. به عبارت دیگر انگیزه عمل او هرگز بی رحمی و شقاوت نبوده بلکه انگیزه او فقط غیرت آتشین مذهبی بوده است. و راشی عمداً به ما اشاره می کند که کلمات پسر اهرن بسیار مهم است.